



www.ketab.ir

شعاع

سرشناسه:  
عنوان و نام پدیدآور:

سادات اخوی، سیدمحمد، ۱۳۵۲ -  
**عاشقانه‌ها: چهل تصویر شاعرانه /**  
شعر سیدمحمد سادات اخوی؛  
با مقدمه عبدالعظیم صاعدی؛  
عکس کاوه کیانی.

مشخصات نشر:  
مشخصات ظاهری:  
شابک:

تهران: فیروز باران، ۱۳۹۶.  
۱۱۰ ص.: مصور (رنگی).: ۲۹×۲۲ س.م.  
۹۷۸-۶۰۰-۹۷۳۰۷-۰-۴

وضعیت فهرست نویسی:  
موضوع:

فیفا  
شعر فارسی-- قرن ۱۴  
Persian poetry -- 20th century

موضوع:  
شناسه افزوده:

کیانی، کاوه، ۱۳۵۹ -، عکاس  
صاعدی، عبدالعظیم، مقدمه نویس

شناسه افزوده:  
رده بندی کنگره:

۸۰۷۸ / ۴۲۱۳۹۶ الف

رده بندی دیوبی:  
شماره کتابشناسی ملی:

۸۴۳ / ۶۲

۴۶۰۰۵۶۵

عاشقانه‌ها



ناشر: فیروز باران

لیتوگرافی و چاپ: آزادی ۰۲۱-۳۳۹۰۱۵۸۴

صحافی: گودرزی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

مدیر هنری: کاوه کیانی

گرافیکست و صفحه آرا: سمیه فرخی

لوگو تایپ عنوان: کاوه کیانی

ویراستار: سارا مهدی نژاد

تهران، کریمخان زند، ایرانشهر، آذرشهر، نبش فریدون شهر، پلاک ۱۱، واحد ۴ | ۷-۵۶۴۵۶۱۲۸۸

www.barandesign.ir

## فهرست

|                                                                                                      |    |    |                                                                                 |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------|----|----|---------------------------------------------------------------------------------|
| معجزه                                                                                                | ۳۰ | ۴  | دریاره کتاب                                                                     |
| لبخند می زنی و دلم، باز می شود<br>وقت نماز صبح من، آغاز می شود                                       |    | ۵  | مقدمه                                                                           |
| تمنا                                                                                                 | ۳۲ | ۷  | پیش گفتار                                                                       |
| دمی... بی «کاش» و بی «اما» و «آیا»!<br>خدا خواهد... که باشم با تو، تنها...                           |    | ۱۴ | «رسم عاشقانگی» - سید محمد سادات اخوی<br>«در حاشیه عکاسی ام» - کار کیا           |
| تا                                                                                                   | ۳۴ | ۱۸ | اسما                                                                            |
| از چشم تو آموخته ام صبر و رضا را<br>سرپرستی آدم و دریای رها را                                       |    |    | پخته خواهم شد اگر عشق، مرا خام کند<br>آفتابی مگر امواج دل، آرام کند             |
| عطری دریاد                                                                                           | ۳۶ | ۲۰ | جبر دلخواه                                                                      |
| یک نفر از دلت، عبوری کرد، دردلت - باز - ماجرای شد<br>کلماتی که شد گره در هم... ناگهانی دلت، هوایی شد |    |    | جبر من!... شوق انتخابم باش!<br>طعم تعبیر راز خوابم باش!                         |
| برونوسیم                                                                                             | ۳۸ | ۲۲ | دگرگون                                                                          |
| «آه» بود اینک حکایت از لب شب... یا میلست؟<br>یا که تابید به آسایش فردا، میلست؟                       |    |    | تو «قطعی ترین» احتمال منی!...<br>پرنده!... پرنده!... تو، مال منی                |
| روزمبادا                                                                                             | ۴۰ | ۲۴ | شناسه                                                                           |
| نابود می شوم، نکنند بیش از این کنی<br>برق نگاه را نکنند آتشین کنی                                    |    |    | سایه جامانده از ردّ تنت را می شناسم<br>بوی نرگس های زرد دامنّت را می شناسم      |
| هیچ، مات!                                                                                            | ۴۲ | ۲۶ | شیرین                                                                           |
| اسیر جمال تو از شش جهاتم<br>پریشان آسما و... ماتِ «صِفات» ام                                         |    |    | به خدا می رسم از دست غم شیرینت<br>این، «همان» است... همان «معجزه دیرین» ات      |
| مروارید                                                                                              | ۴۴ | ۲۸ | دوره گرد                                                                        |
| عاشق ترم - عزیز دل من! - هنوز هم<br>ناباورم... عزیز دل من!... هنوز هم                                |    |    | مرا آخر کشد عشق تو آنجا که نمی دانم<br>نمی دانم... نمی دانی چه خواهد بود پایانم |



### باغ محال

کاش می شد که بمانی و... مجالم بدهند  
فرصت «آه» به لب های خیالم بدهند

### اقرار

ای دل من!... آنچه باور کرده ای انکار کن!  
نیمکت را... برگ را... آن روز را تکرار کن!

### سرانجام

طاووس «پاشکویه این دام»، می شوم  
بین کبوتران تر، خوش نام می شوم

### نگاه

مثل عبور «بوی خوشی ناگهان» رسید  
شاید که خواب بودم و از آسمان، رسید

### دلای

کو بهاری که جدا از تو، دوام آورده؟!  
نوبهار است خزان، کز «تو» سلام آورده

### کبوترانه

دلم به یاد تو هر شب، بهانه می گیرد  
به یاد روز، سرت را به شانه می گیرد

### نقشه

بار سنگین غمت را با دل و جان می کشم...  
تا «تو» هستی... بار سنگین را هم آسان می کشم

### نگاهم

غم آمد که دست مرا هم بگیرد...  
«تو» باشی و دست مرا «غم» بگیرد!؟

### برکه

زمزمه کن... زمزمه ای ناب کن!  
صخره دلتنگی من، آب کن

### شبانه

غمگین تر از همیشه ام اما تو نیستی  
سرشارم از سرود تمنا، تو نیستی

### نبود؟... بود!

ما را میان چشم تو جایی نبود... بود؟  
از تو شروع فصل جدایی نبود؟... بود!

### برایت!

ندیدم تو را... بارها گریه کردم  
شکسته، نشستم... «تو» را گریه کردم

### گنجشک

هر چند عصر و شام و سحر، گریه می کنم  
فهمیده ام بدون اثر گریه می کنم

### زیربوم

دو دل مشتاق هم بود و... نمی گفت و نمی گفتم  
سکوتی محترم بود و... نمی گفت و نمی گفتم!

### نیز

برویم لب زمانه، سنگ شد  
دل بری چشم هایت، تنگ شد

### پناه خواب

پشت این صورتک، دلی ست خراب  
از غمت می برم پناه به «خواب»

### جابه جایی

می روم تا کجا؟... نمی دانم  
من که رفتم، تو را نمی دانم

### توس عشق شدن

من نمی خواهم که مجبورم کنم  
تا همیشه از خودم دورم کنم

۶۴

۴۶

۶۶

۴۸

۶۸

۵۰

۷۰

۵۲

۷۲

۵۴

۷۴

۵۶

۷۶

۵۸

۷۸

۶۰

۸۰

۶۲

۸۲

**پس لرزه**

ای عشق، ای تلاطم خاموش بی وطن!...  
یا دل بگیر از من و... یا جان بده به تن!

۸۴

**بسم عشق**

با میلِ قضا و قدرم، جنگ نکردم  
در عمر خودم، جای کسی تنگ نکردم

۸۶

**گذر عشقه**

وقت «عاشق شدن»م، «سعدی» و «مولانا» یم  
«حافظ» وقت خود و گمشد، در دل هایم

۸۸

**اختیار**

حیف دل های جهان نیست، مُکَدَّر باشند!...  
عشق را داده خدا، تا همه «بهتر» باشند

۹۰

**من دیگر**

حالا که عشق، دست دلم را گرفته است...  
دل - عاشقانه - دست قلم را گرفته است

۹۲

**وضعیت هشداری**

کاش می شد که دل از ثانیه ها برداریم...  
سربه آغوش تماشای زمان بگذاریم

۹۴

**سرگردان**

گفته بودند - اگر در بنزم - پشت دری  
پابه پای می شوم و از تو نیامد خبری

۹۶

**چشم خاموشه**

«ریش» را هم بنزم، «ریشه» به جا می ماند...  
پشت این چهره آرام «خدا» می ماند

۹۸

**پایان باز**

«گندن» از دل، همیشه، بلای است،  
رفتن از خویشتن، ماجرای است

مقدمه

## عکاسی از معنویت‌ها

استاد عبدالعظیم صاعدی

«کاوه کیانی» مرد طبیعت است...

عاشق و شیدای رنگ‌های بی‌شمار پدیده‌ها و شکارچی لحظه‌های شکوفای فصول... از پیش پا تا پیرامون‌های دور و ناشناخته. کاوه، هنرمندی است جامع که با جز عکاسی و موسیقی، دستی نیز در کار شعر دارد و اولین اثر شعری‌اش، فاصله چندی با انتشار ندارد.

دوربینش با هزار چشم، طبیعت را در ساحت و اعماق می‌کاود تا مبادا مویرگی از یک برگ بهاری یا یک برگ خزان دیده در گنجی از نظرها دور بمانند و اسمی از اسماء الهی از چشم‌ها مخفی.

کارهایش اصالتی دارند که در اولین دیدار جذبت می‌کند و وقتی به آثار عکاسی‌اش می‌نگری... دیگر سرو کار ذهنیت با «عکس» نیست؛ «تابلوهای نقاشی»‌ای در چشم‌رس بینند اند که گویی اثر بزرگ‌ترین نقاشان جهان است.

«طبیعت» برای استاد عکاس، در حکم «خانقاه»‌ای است که در آرزو به ررو نیازی ملکوتی نشسته و تمام سعی‌اش لذت بردن از این حالت و به لذت رساندن مخاطب است و به تعریفی دیگر، کار پیوسته کیانی، عکاسی از «معنویت‌ها» است...

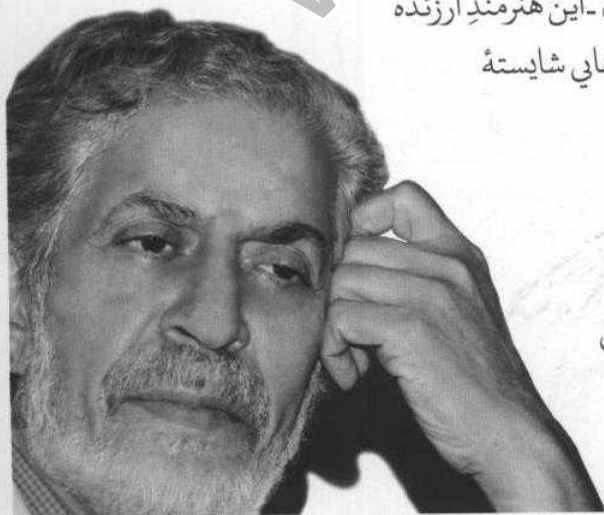
در کارهای وی، اوج نقطه امتیاز، همانا حالت‌های والایی است که عکاس را در خود گرفته... انگار که در هر عکس، تکه‌ای از روح پالوده خود را زاویه‌بندی کرده است.

آثارش «جان» دارند و جان می‌بخشند و به دلیل استغراق او در پاکی‌های طبیعت، عکاسی‌اش را که می‌بینی - مسرورانه - احساس لطافت و پاکی می‌کنی. و هنر، وقتی به چنین راستایی تکیه کرد، بی‌تردید «مالایی» می‌شود.

سال‌هاست آثار عکاسی‌اش را با علاقه مدّ نظر دارم و برای ایشان - این هنرمند ارزنده

و صاحب ذوق - موفقیت‌های روزافزون آرزو می‌کنم... موفقیت‌هایی شایسته

تلاش‌های پیگیر و مستمرش.



عبدالعظیم صاعدی

بهمن‌ماه یک‌هزار و سیصد و نود و پنج خورشیدی

